معصومه امیرزاده، نویسنده و پژوهشگر حوزه زبان و ادبیات فارسی:

زبان مادری آغوشی است که هویت ملی را با خود حمل می کند

معصومه امیرزاده نویسنده و پژوهشگر حوزه زبان و ادبیات فارسی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید مادر نخستین انتقال‌دهنده زبان به کودک است. وقتی از زبان حرف می‌زنیم، تنها درباره مجموعه‌ای از واژه‌ها سخن نمی‌گوییم، بلکه درباره یک دستگاه فکری و یک شیوه ارتباط با جهان صحبت می‌کنیم. مادرها در لالایی‌ها، در گفت‌وگو با نوزاد و حتی جنین، سفیران زبان‌اند. هر کلمه‌ای که مادر با مهر و تکرار به کودک می‌آموزد، همچون بذری است که در جان او می‌نشیند و به‌مدت تبدیل به ساختار هویتی‌اش می‌شود. برای من، مادرانگی همواره با زبان گره خورده است. همان طور که کودک با صدای مادر آرام می‌گیرد، زبان مادری نیز آغوشی است که هویت ملی را در خود حمل می‌کند. در «منل نهنگ نفس تازه می‌کنم» ناخودآگاه این پیوند درونی میان عشق مادرانه و عشق به زبان مادری حضور یافته است. زبان همانند شریان پنهانی است که مادر از طریق آن هویت را به فرزند منتقل می‌کند. در فرهنگ فارسی، مادر جایگاهی مقدس دارد همانگونه که زمین می‌پرورد و وطن مرز دارد، مادر نیز حرمت دارد. زبان مادری مهم‌ترین چیزی است که حول محور مادر شکل می‌گیرد؛ پیوندی است میان گذشته و آینده، داده‌ای که در دل کودک شکل‌گیرد و به درختی تناور بدل می‌شود. از این‌رو، وقتی از پاسداشت زبان مادری سخن می‌گوییم، در حقیقت از پاسداشت مادر، وطن و هویت ملی صحبت می‌کنیم.

فکر می‌کنید مادران ایرانی نقش ویژه‌ای در پاسداری از زبان فارسی دارند؟ چگونه؟

بی‌تردید، مادر نخستین آموزگار زبان است. لالایی‌ها، قصه‌های شب و حتی شیوه صدا زدن فرزند، همه به زبان فارسی جان می‌دهند. کودکان نخست با دایره واژگان مادر سخن می‌گویند و دنیای پیرامون را با واژه‌هایی که مادر انتخاب کرده می‌شناسند. پژوهش‌ها نشان داده است زمانی که مادر صرف گفت‌وگو و تعامل با کودک ۱۸ تا ۲۹ ماهه می‌کند، تأثیر مستقیمی بر تجربه‌های زبانی او دارد. کیفیت گفتار والدین به‌ویژه مادر، نه‌تنها بر غنای واژگان کودک بلکه بر کیفیت یادگیری و مهارت‌های

زبان فارسی در فضای آموزشی و رسانه‌ای بیشتر به‌عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات دیده می‌شود، نه به‌عنوان یک موجود زنده و پویا؛ به نظر شما چگونه می‌توان این عشق به زبان مادری را در دل آنها زنده کرد؟

نسل جدید باید درک کند زبان فارسی تنها یک درس خشک در مدرسه نیست بلکه زبان بازی، روایت، موسیقی و رسانه‌های امروزی نیز است. اگر نوجوانان و جوانان با شعر، داستان، سینما و حتی محتوای دیجیتال به زبان نزدیک شوند، عشق به فارسی در دل شان زنده خواهد شد. نباید زبان را صرفاً به کتاب‌های درسی و امتحان‌ها محدود کرد. زبان باید در زندگی روزمره جاری شود، در ترانه‌ها، در فیلم‌ها، در بازی‌های رایانه‌ای و در رسانه‌های اجتماعی حضور داشته باشد. ادبیات کهن ما گنجینه‌ای بی‌همتاست که می‌تواند دستمایه آثاری تازه در حوزه ادبیات فانتزی گونه محبوب نوجوانان قرار گیرد. اگر داستان‌های فردوسی، نظامی یا حتی متون قدیمی با زبان و تصویر امروزی بازآفرینی شوند، نسل جوان احساس بیگانگی با آنها نخواهد کرد. حضور میراث جدی در آموزش ادبیات مدرس می‌تواند فاصله نسل جدید با زبان را کاهش دهد و پیوندی تازه بیافریند. تنها با ایجاد این پل‌هاست که می‌توان شور و عشق به زبان فارسی را دوباره در دل نسل‌های آینده نمه‌دار کرد.

زبان داستان را جذب در حفظ پویایی و زنده‌بودن زبان فارسی مؤثر می‌دانید؟

داستان زبان فارسی را زنده نگه می‌دارد؛ زیرا زبان تنها ابزار برای سخن گفتن نیست بلکه جایی است که واژه‌ها می‌توانند شکل تازه بگیرند، معناهای کهنه جان تازه بیابند و واژه‌های نو آفریده شوند. هر نویسنده امکان خلق در دستگاه زبان را دارد و همین خلاقیت، زبان را از ایستایی فرسودگی نجات می‌دهد. نویسندگان امروز اگر بر ادبیات کهن تکیه کنند و در عین حال نوآوری در فرم و محتوا داشته باشند، می‌توانند زبان فارسی را در مسیر پویایی نگه دارند. این کاری است که هم به نویسنده خدمت می‌کند و هم به زبان. زبان داستان تنها ابزار بیان نیست خود داستان‌نویسی، میدان آزمون و خطاست. نویسنده در برخورد با تجربه‌های تازه، واژه‌های تازه می‌جوید، ترکیب‌های بدیع می‌آفریند. بدین ترتیب، داستان‌نویسی باعث می‌شود زبان از سکون بیرون بیاید و بتواند با نیازهای زمانه هم‌گام شود. زبان فارسی در طول تاریخ همواره با قصه زنده مانده است؛ از شاهنامه فردوسی تا داستان‌های معاصر. این قصه‌ها زبان را تازه کرده‌اند. اگر این جریان ادامه یابد، زبان فارسی نه‌تنها زنده می‌ماند بلکه در مسیر بالندگی و نوآوری گام برمی‌دارد.

فکر می‌کنید ادبیات می‌تواند پلی بین نسل‌ها برای انتقال زبان و فرهنگ باشد؟

بی‌شک. ادبیات پلی استوار میان نسل‌هاست. همانگونه که رودخانه‌ای از کوهساران دور جاری می‌شود و نسل‌پهنسل حیات می‌بخشد، ادبیات نیز زبان و فرهنگ گذشتگان را به ما و از ما به فرزندان‌مان می‌رساند. پدربزرگ و مادربزرگ قصه می‌گفتند، ما نوشته و فرزندان‌مان خواهند خواند. این جریان مواد زبان و فرهنگ را زنده نگه می‌دارد و نسل‌ها را به هم پیوند می‌دهد.

زبان مادری برای شما چه معنایی دارد؟ آیا خاطره‌ای از کودکی دارید که پیوند زبان و عشق مادرانه را نشان دهد؟

زبان مادری برای من نه‌تنها ابزاری برای سخن گفتن که خانه‌ای امن است؛ جایی که در آن زانو می‌گیرم. زبان مادری همان ریشه‌ای است که انسان را با خاک، با تاریخ و با خانواده‌اش پیوند می‌دهد. بدرپدرگم (پدر مادرم) حافظ قرآن و مسلط به ادبیات بود و مادرم نیز حافظه درخشانی داشت و اشعار بسیاری را از بر می‌خواند. این دو، به گونه‌ای ناخودآگاه، حافظان زبان در خانه ما بودند. به یاد دارم در کودکی، وقتی از چیزی می‌ترسیدم یا در نوجوانی با اضطراب‌هایی چون کنکور روبه‌رو می‌شدم، مادرم با شعر، با ضرب‌المثل آرامم می‌کرد. جمله «نه تو پیری، نه خدا پیکل» برایم معنای دوباره آزمودن و امیدواری داشت. او با زبان، نه‌تنها ترس مرا فرو می‌نشاند، بلکه راهی برای ادامه دادن نشان می‌داد تا امروز که در مقطع دکتری تحصیل می‌کنم این کلمات او بوزه گوشم است. آن واژه‌ها برای من حصاری امن ساختند هنوز هم وقتی در ذهنم زنده می‌شوند، همان طعم امنیت و آرامش را حس می‌کنم. زبان مادری برایم شبیه گنجینه‌ای است که هر بار در آن سر می‌کشم، ریشه‌هایم را بازمی‌یابم و با خودم آشتی می‌کنم.

نسل جدید در مواجهه با زبان فارسی گاهی دچار فاصله است. به نظر شما چگونه می‌توان این عشق به زبان مادری را در دل آنها زنده کرد؟

نسل جدید باید درک کند زبان فارسی تنها یک درس خشک در مدرسه نیست بلکه زبان بازی، روایت، موسیقی و رسانه‌های امروزی نیز است. اگر نوجوانان و جوانان با شعر، داستان، سینما و حتی محتوای دیجیتال به زبان نزدیک شوند، عشق به فارسی در دل شان زنده خواهد شد. نباید زبان را صرفاً به کتاب‌های درسی و امتحان‌ها محدود کرد. زبان باید در زندگی روزمره جاری شود، در ترانه‌ها، در فیلم‌ها، در بازی‌های رایانه‌ای و در رسانه‌های اجتماعی حضور داشته باشد. ادبیات کهن ما گنجینه‌ای بی‌همتاست که می‌تواند دستمایه آثاری تازه در حوزه ادبیات فانتزی گونه محبوب نوجوانان قرار گیرد. اگر داستان‌های فردوسی، نظامی یا حتی متون قدیمی با زبان و تصویر امروزی بازآفرینی شوند، نسل جوان احساس بیگانگی با آنها نخواهد کرد. حضور میراث جدی در آموزش ادبیات مدرس می‌تواند فاصله نسل جدید با زبان را کاهش دهد و پیوندی تازه بیافریند. تنها با ایجاد این پل‌هاست که می‌توان شور و عشق به زبان فارسی را دوباره در دل نسل‌های آینده نمه‌دار کرد.

زبان داستان را جذب در حفظ پویایی و زنده‌بودن زبان فارسی مؤثر می‌دانید؟

داستان زبان فارسی را زنده نگه می‌دارد؛ زیرا زبان تنها ابزار برای سخن گفتن که خانه‌ای امن است؛ جایی که واژه‌ها می‌توانند شکل تازه بگیرند، معناهای کهنه جان تازه بیابند و واژه‌های نو آفریده شوند. هر نویسنده امکان خلق در دستگاه زبان را دارد و همین خلاقیت، زبان را از ایستایی فرسودگی نجات می‌دهد. نویسندگان امروز اگر بر ادبیات کهن تکیه کنند و در عین حال نوآوری در فرم و محتوا داشته باشند، می‌توانند زبان فارسی را در مسیر پویایی نگه دارند. این کاری است که هم به نویسنده خدمت می‌کند و هم به زبان. زبان داستان تنها ابزار بیان نیست خود داستان‌نویسی، میدان آزمون و خطاست. نویسنده در برخورد با تجربه‌های تازه، واژه‌های تازه می‌جوید، ترکیب‌های بدیع می‌آفریند. بدین ترتیب، داستان‌نویسی باعث می‌شود زبان از سکون بیرون بیاید و بتواند با نیازهای زمانه هم‌گام شود. زبان فارسی در طول تاریخ همواره با قصه زنده مانده است؛ از شاهنامه فردوسی تا داستان‌های معاصر. این قصه‌ها زبان را تازه کرده‌اند. اگر این جریان ادامه یابد، زبان فارسی نه‌تنها زنده می‌ماند بلکه در مسیر بالندگی و نوآوری گام برمی‌دارد.

فضای مجازی، فرصت یا تهدید؟

کسی نمی‌گوید فضای مجازی بایدبد رسمی و خشک باشد. اتفاقاً فضای مجازی، اگر درست استفاده شود، فرصتی بی‌نظیر برای زنده نگه داشتن زبان فارسی است. می‌توان در آن شعر به اشتراک گذاشت، می‌توان ادبیات عامیانه را ثبت کرد، می‌توان واژه‌های تازه ساخت و واژه‌های کهن را زنده کرد. اما آنچه امروز می‌بینیم، بیشتر تهدید است تا فرصت؛ کم‌توجهی گسترده به نوشتار، حاکم شدن زبان مخفف و سطحی، ناآشنایی نسل جدید با واژه‌های درست فارسی و در نهایت حذف تدریجی احترام زبان نتایج این تهدید است.

صدای مردم و زبان فارسی

برای اینکه بفهمیم مردم چقدر به زبان فارسی در فضای مجازی اهمیت می‌دهند، به چند نقطه مختلف شهر سر زدیم و چند سؤال ساده پرسیدیم. پاسخ‌ها گویای واقعیتی تلخ اما صادقانه‌اند.

امیدی، ۲۳ساله، دانشجوی ۱۸ «والا» هم نیست برام. خودم هر روز پیام‌ها را باز می‌کنی بر از واژه‌های شکسته، غلط‌های املایی، مخفف‌هایی که گاهی خود نویسنده هم بیادش نمی‌ماند از کجا آمده‌اند:«ص. خ. چطوری؟!» مرس بابت نگفت. دمت گرم، فدا!!»، «حالم خش نیست» یا این سبک نگارش: «Biya dige vaghti emishe harf zad chera benevisim?!»، «mer۳۰»، «slm chetori?»، «kv koja?»... همه اینها به کنار و بماند خیلی از تحصیلکرده‌های ما انگار دوران مدرسه که جلسه افعال گذاشتن و گزارش را تدریس می‌کردند به اتفاق غایب بودند. کم پیش می‌آید کسی حتی اگر فارسی می‌نویسد بعضی کلمات را درست بنویسد به جدی که موضوعی به نام غلط مصطلح وارد ادبیات فارسی ما شده است. برخی اشکال «توشتن» دیگر فقط یک عادت نیست، شوخی اینترنتی نیست. در حال جدی و ریشه‌دار شدن است. در روزگار گوشی‌های هوشمند و اینترنت پرسرعت، زبان فارسی—این گنجینه هزارساله—هر روز ضعیف‌تر، شکسته‌تر، بی‌جان‌تر می‌شود و ما اغلب بدون هیچ توجیهی داریم به دست خود، نویسه‌های زیبا و اصیل این سرزمین را در زبان فارسی در فضای مجازی به دست خودمان ذبح می‌شود.

زبان فارسی در میان مردم

خیلی‌ها دیگر کلمات را درست نمی‌نویسند. «می‌خوام» شده «میخام»، «باشه» شده «بش»، «تنیستی» شده «nisti» و «خوش و خواب» شده «خش و خاب». بسیاری اصلاً حروف فارسی را کنار گذاشته‌اند؛ به قول امروزی‌ها فینگلیش (نوشتن فارسی با حروف لاتین) به شدت شده است. جملات نصفه، کلمات نصفه‌تر، فعل‌هایی که نیستند و اسامی‌ای که اشتباه تایپ شده‌اند و کسی

احمد نوری، نویسنده و پوراستار:

ناهماهنگی سبک و زبان در نوشته‌ها، چالشی برای هویت فارسی است

احمد نوری، کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، نویسنده و پوراستار داستانی بر این باور است که متون فارسی گستره وسیعی دارند و هر دسته ویژگی‌ها و قواعد خاص خود را دارند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت همه متون یک زبان واحد داشته باشند. او می‌گوید: «امروز یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های زبان و نوشتار فارسی، مخلوط شدن سبک‌ها و زبان‌هاست. مثلاً پایان نامه‌ای علمی که با لحن اینستاگرامی یا داستانی که با نثر علمی نوشته می‌شود. این قاطی شدن مرزهای زبان عامیانه، زبان معیار و زبان دستوری باعث استفاده نامناسب از زبان و تهدیدی برای هویت فارسی است. متن زیر گفت‌وگوی «جوان» با این کارشناس است که می‌خوانید.

به نظر شما مهم‌ترین چالش دستور زبان فارسی در متون امروز چیست؟

متون گستره بسیار وسیعی دارند، از متون علمی و درسی گرفته تا متون داستانی، ادبی، خبری، متون فضای مجازی مثل اینستاگرام و کانال‌های تلگرامی. وقتی درباره حفظ زبان و ادبیات فارسی در این متون صحبت می‌کنیم، پاسخ ساده‌ای وجود ندارد، چون هر دسته از این متون ویژگی‌ها و گونه خاص خود را دارد. برای مثال یا یک پژوهش علمی در حوزه پزشکی که بر از واژه‌های انگلیسی است، همان پرحوری را نمی‌کنیم که با یک پژوهش در علوم حوزوی، داستان یا متن اینستاگرامی داریم. هر متن زبان خاص خود را دارد و قواعد زبان در هر گونه متفاوت عمل می‌کنند. بنابراین انتظار اینکه همه متون یک زبان واحد داشته باشند، غلط است. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های امروز، جابه‌جایی و مخلوط شدن زبان‌ها با یک دیگر در متون است. مثلاً نویسنده‌ای پایان‌نامه یا پژوهش علمی را با زبانی می‌نویسد که بیشتر در اینستاگرام دیده می‌شود یا پژوهشگری وارد حوزه داستان می‌شود و شبیه نثر علمی می‌نویسد. این قاطی شدن مرزهای زبان عامیانه، زبان معیار و زبان دستوری باعث می‌شود بخش‌هایی از زبان در جای نامناسب به کار رود و این یکی از مهم‌ترین چالش‌های حفظ زبان فارسی است.

و ویژگی‌ها و کارکردهای پوراستاری از دست خواهد رفت. به علاوه، ابزارهای فعلی ممکن است بخش‌هایی از متن را تغییر دهند یا چرا استشاء کنند. مثلاً ممکن است هوش مصنوعی برخی جمله‌ها یا جمله‌بندی‌های متن را که نیازی به تغییر آنها نیست، تغییر دهد و معنا را عوض کند. یا ممکن است یک کلمه در کل متن تغییر شکل دهد، در حالی که در موقعیت‌های مختلف باید شکل‌های متفاوتی داشته باشد. اگر فعلاً به این نکات دقت کسی می‌تواند بسیاری از مشکلات احتمالی را کاهش دهد، اما نقطه قوت این ابزارها این است که دسترسی عموم به آنها را حت شده و اگر کسی قصد داشته باشد متن خود را درست بنویسد می‌تواند از آنها استفاده کند. این ابزارها فرایند نوشتن و ویرایش را ساده‌تر می‌کنند و پهنه‌ای را اگر کسانی که می‌خواهند این کار را انجام دهند می‌گیرند.

تولید محتوای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی زبان فارسی را تهدید می‌کند یا توسعه می‌دهد؟

اگر بخواهیم مشابه این ماجرا را مد سال پیش بررسی کنیم، زمانی که هنوز روزنامه‌ای وجود نداشت، عمده متون موجود، دیجیتال ایجاد کرده است. چشم‌انداز شخصی‌ام این است که زبان فارسی به دلیل کهن و ریشه‌دار بودنش نابود نمی‌شود اما تغییر شکل، پویایی و تطبیق با شرایط جدید جزء ذات زبان است. این تغییر و بازیابی بخشی از زیبایی زبان است و اساساً باید جلوی آن گرفته شود.

چه توصیه‌ای به نویسندگان و ناشران دارید تا در تولید آثارشان به زبان فارسی پایبند باشند؟

برای حفظ زبان و ادبیات فارسی باید چند نکته را رعایت کنیم. اول باید به مسئله آگاه باشیم و نیاز به آن را احساس کنیم. کسی که گرسنه است برای غذا تلاش می‌کند. کسی که احساس نیاز به زبان فارسی داشته باشد، راه حفظ آن را پیدا می‌کند. نکته دوم، رعایت زبان فارسی است که نباید صرفاً وظیفه‌ای برای رفع تکلیف باشد. خیلی وقت‌ها نه‌تان فقط به پوراستاری املایی توجه و نویسنده فقط به رساندن منظور خود فکر می‌کند. در حالی که زبان و نثر اصل و اهمیت خود را دارد. نکته سوم آموزش است. متأسفانه بسیاری از نویسندگان اطلاع کافی از قواعد زبان و نثر ندارند و با چشیدن اشتباه می‌نویسند. این جهل کافی ریشه در فرهنگ مجازی و عدم آشنایی با قواعد محرم دارد و باعث می‌شود نثر فضای مجازی را با متون رسمی یا داستانی اشتباه بگیرند. اگر احساس نیاز وجود داشته باشد، آموزش و آگاهی نسبت به قواعد و دستورالعمل‌ها و تلاش برای پایبندی به آنها چه از سوی ناشر و چه نویسنده می‌تواند بسیار مفید باشد.

در آخر بفرمایید اگر زبان فارسی در گفت‌وگوها و نوشته‌های ما آسیب ببیند از نظر فرهنگی و هویتی چه آسیب‌هایی خواهیم دید؟

ارتباط ما با دیگران در هر قضا و عرصه‌ای با زبان شکل می‌گیرد. و هویت فرهنگی جوامع تا حد زیادی به زبان برمی‌گردد. چون جوامع بر بستر یک زبان مشترک ظهور و بروز پیدا می‌کنند. این موضوع بسیار گسترده است. می‌توان درباره آن مفصل صحبت کرد. در پایه به سؤال قبل اشاره شد به اینکه جایی که زبان فارسی به کلی از بین برود یا جایگزین زبان‌های دیگر شود، آن بخشی از ارتباط و هویت فرهنگی آسیب می‌بیند. امروز نمونه‌هایی را می‌توان در فضای مجازی دید. مثلاً کافی کلیپی منتشر می‌شود که مفهوم آن شاید آن حد زیادی به قابل فهم نیست یا اصطلاحات و زبان استفاده شده برای آموزش و یادگیری آن‌طور که باید و انتظار می‌رفت، اثر خوبی نداشته است. از زمان قاجار تا دوران سمدی، متون تفاوت‌هایی با زبان شفاهی روزمره تفاوت داشتند. همین تفاوت باعث هویت گذشته نیز آسیب می‌بیند، چون زبان ریشه‌ای از هویت فرهنگی است و این مسئله با فرهنگ و گذشته ما درهم تنیده شده است. متألاً اگر زبان انگلیسی جایگزین فارسی شود، بازگرداندن جایگاه زبان فارسی و احیای نقش را بسیار طولانی و دشوار خواهد بود و نیاز به صرف زمان و تلاش زیادی دارد تا دوباره بازیابی شود.

بی‌ادبی مجازی به ساحت ادب پارسی ممنوع!

حسین گل‌محمدی

۲۷ شهریور محمل دو مناسبت از رسمند در تقویم ملی است «روز شعر و ادب فارسی و روز بزرگداشت استاد محمدحسین شهریار» بی تردید این یکی بودن ریشه در جایگاه ویژه ادبی و فرهنگی این شاعر بزرگ کشورمان دارد. شاعری که هم در قالب گونه‌های قدیم شعر فارسی و هم در شعر نو، آثاری ماندگار خلق کرده است. او شاعری است که با زبان ساده و در عین حال پرقدرت، توانست شعر را به دل مردم ببرد. شهرت شهریار نه تنها در ایران بلکه در جهان فارسی‌زبان گسترده است و مهم‌تر از همه، او توانست پلی میان سنت شعری کهن ایران و ذوق و سلیقه معاصر ایجاد کند. شهریار یکی از آخرین قله‌های شعر فارسی و در عین حال نماد پیوند اقوام ایرانی در سایه شعر فارسی است. بی تردید گرامیداشت استاد شهریار، پاسداشت زبان و ادب پارسی است و ارج نهادن به زبان و نوشتار فارسی نیز حرمت قائل شدن برای هویت ملی و اصالت فرهنگ ایرانی است. اما آیا به صرف ثبت این دو مناسبت در تقویم ملی، فرهنگ و زبان مادری در برابر هجمه‌ها و آسیب‌ها حفظ می‌شود؟ شوربختانه باید گفت چنین نیست و مثال بارز این نگرانی، مصادیق بی‌شمار و همه‌گیر بی‌مهری و حتی بی‌ادبی به ساحت زبان و ادب پارسی در فضای مجازی است. فضایی که سطحی‌نویسی و رواج جملات کوتاه، ناقص و ساده‌شده در آن، نسل جوان را از واژگان فاخر و ساختارهای ادبی زبان فارسی دور می‌کند. فضایی که نگارش سریع و کم‌توجه به اصول درست‌نویسی در آن سبب شده بسیاری از افراد به تدریج شکل صحیح نوشتار واژه‌ها را فراموش کنند. تکرار غلط‌های املایی در فضای مجازی، به‌ویژه در میان نوجوانان، این خطاها را به صورت الگوی غالب تثبیت می‌کند و به اصالت نگارشی زبان آسیب می‌زند. از سویی استفاده گسترده از واژه‌های انگلیسی و ترکیب آنها با فارسی، یکی دیگر از معضلات زبان امروز است. در بسیاری از موارد، معادل‌های فارسی زیبا و دقیق برای این واژه‌ها وجود دارد اما افراد به دلیل عادت یا تصور برتری فرهنگی، از واژه‌های بیگانه استفاده می‌کنند. این امر نه تنها به اصالت فارسی لطمه می‌زند، بلکه باعث تضعیف خلاقیت در واژه‌سازی می‌شود. هم چنین در گفت‌وگوهای مجازی، معمولاً نشانه‌های نگارشی نادیده گرفته می‌شوند. این حذف، باعث گسست معنا و دشواری درک متن می‌شود. در بلندمدت، نسل جدید مهارت استفاده درست از نشانه‌های نوشتاری را از دست خواهد داد و این امر به افت استانداردهای نگارش زبان فارسی منجر می‌شود. استفاده بیش از حد از زبان عامیانه به جای معیار نیز در فضای مجازی آفتی بزرگ است. گرچه زبان عامیانه بخشی از پویایی زبان است اما استفاده بی‌حد و مرز آن در نوشتار رسمی و رسانه‌ها موجب کاهش اعتبار فارسی معیار می‌شود و اگر این روند ادامه یابد، مرز میان زبان رسمی و غیررسمی از بین خواهد رفت و شکوه نثر فارسی لطمه جدی خواهد دید. به رغم تمام آنچه آمد با استفاده صحیح از فضای مجازی به عنوان یک ابزار از تبلیغی فراگیر می توان درست نویسی را ترویج کرد و این مهم برعهده تمام کسانی است که دغدغه اصالت فرهنگ و ادبیات کشورمان را دارند. حفظ اصالت فارسی، وظیفه‌ای همگانی است؛ چرا که زبان، تنها ابزار ارتباط نیست، بلکه ستون اصلی هویت و فرهنگ ماست.

باز تاب ادبیات در زندگی و خاطرات مردم

شعر فارسی، نغمه جاودانه در دل هر ایرانی

با وجود بر خی بی‌مهری‌ها به زبان فارسی اما از بیت‌های حافظ در کوچه پس کوچه‌های شهر تا ضرب‌المثل‌های حکیمانه در روستاهای دورافتاده، شعر و ادب فارسی بخش جدانشدنی از زندگی و هویت مردم ایران است. پای صحبت کسانی نشستیم که شعر برای‌شان فقط متن یک کتاب نیست، بلکه بخش زنده و جاری زندگی‌شان است: نغمه‌ای که همچنان در دل و جان‌شان می‌پیچد و ریشه‌های هویت ایرانی را مستحکم‌تر می‌کند.

اگر آن ترک شیرازی...

در یکی از کوچه‌های قدیمی تهران، خانم فاطمه، بانوی ۷۲ساله می‌گوید: «برای من، این بیت حافظ همیشه یادآور روزهای خوش کودکی و خانواده‌مان است. اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را/ به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را. وقتی مادربزرگم این شعر را می‌خواند، همه ما دورش جمع می‌شدیم و انگار قصه‌ها را از لابه‌لای این کلمات می‌شنیدیم. این شعر برای من فقط یک جمله نیست، بلکه بخشی از تاریخ و فرهنگ ماست. همان چیزی که باعث شده هویت ایرانی‌مان را بشناسیم و به آن افتخار کنیم.» او ادامه می‌دهد: «مادربزرگم همیشه می‌گفت که حافظ بعضی هنر انتقال احساس و محبت به نسل‌های بعد» دارد و وقتی بزرگ شد، به شاعر بشنو و شعرای زیبا بگو!»

بشنوازنی...

خانم مریم، معلم بازنشسته ۵۵ساله می‌گوید: «من همیشه عاشق اشعار مولانا بودم، مخصوصاً آن بیت‌ها: تو نی چون حکایت می‌کند/ از جدایی‌ها شکایت می‌کند. این بیت برای من یادآور دوران جوانی و دردهای دوری از خانواده است. وقتی که برای تحصیل به شهر آمدم، این شعر به من آرامش می‌داد و یادم می‌آورد که جدایی فقط در نیست، بلکه آغاز دوباره‌ای است.» او اضافه می‌کند: «هر بار که این شعر را می‌خوانم، حس می‌کنم بخشی از روح مولانا در من جاری است و این حس، هویت فرهنگی ما را عمیق‌تر می‌کند.»

به دانش بود مرد را ایمنی

آقای محمد، جانباز ۸۵ساله که از دوران جنگ خاطرات بسیاری دارد، چند بیت حماسی از فردوسی بزرگ می‌خواند: «خواندند بر ما کسی آفرین/ چو بودیم بود به‌وم ایران زمین/ به دانش بود مرد را ایمنی/ ببندد زبد دست اهرمنی»

این ابیات همیشه برای من یادآور رشادت رزمندگان و شهدای فرهیخته‌ای است که با ایثار خود، امنیت ما را حفظ کردند. هویت ما به این ایثارها و جانفشانی‌ها گره خورده و باید همیشه پاسدار آن زنده نگه داریم.

علی‌ای همای رحمت...

سرانجام خوانی می‌روم که در حال وضو گرفتن کنار حوض مسجد امام خمینی بازار است. می‌پرسم شهریار را چقدر می‌شناسی که پاسخش ختم کلام این گزارش میدانی می‌شود: «شهریار را به علی‌ای همای رحمت می‌شناسم و شاید خیلی‌ها علی را با شعر شهریار شناختند اما شهریار هم گویا به علی شناختم من به خدا قسم خدا!»

روایت زندگی

مردم ما شعر را می‌شناسند. شاید اگر همه شاعر نباشند و شعرهای سخت را حفظ نباشند اما به هر حال در همین حد می‌شناسند. شعر و ادب فارسی، از قدیم‌الایام، نه فقط هنری زیبا، بلکه زبان هویت، فرهنگ و تفکر ایرانیان بوده است.

هر بیتی که از حافظ، مولانا، سعدی، فردوسی و شهریار یا شعرای محلی نقل می‌شود، بخشی از تاریخ، تجربه و زندگی مردم را بازگو می‌کند. این اشعار نه فقط در کتاب‌ها، بلکه در کوچه‌ها، خانه‌ها و بازارها جاری‌اند و قلب مردم را به تپش درمی‌آورند. از کودکان مهد گرفته تا پیران شهر و روستا، همه به نحوی با شعر و ضرب‌المثل‌های فارسی انس دارند. این کلمات کوتاه اما پرمعنی، نه فقط نسبت‌ها و حکمت که راهنمایی برای زندگی بهتر و ارزیابی برای حفظ هویت ملی‌اند. زبان فارسی، فرصتی است برای پاسداری از هویت فارسی در حفظ هویت و فرهنگ ایرانی. ارزیابی برای حفظ هویت ملی‌اند. زبان فارسی، فرصتی است برای پاسداری از هویت فارسی در حفظ هویت و فرهنگ ایرانی. ارزیابی برای حفظ هویت ملی‌اند. زبان فارسی، فرصتی است برای پاسداری از هویت فارسی در حفظ هویت و فرهنگ ایرانی.

گزارشی از بی‌تفاوتی جمعی به زبان مادری

ذبح زبان فارسی در فضای مجازی

نسترن آزینه، استاد زبان و ادبیات فارسی:

تولید آثار علمی و پژوهشی به زبان فارسی موجب پویایی و ماندگاری آن می‌شود

تشویق دانشگاهیان و پژوهشگران به تألیف کتاب‌های مرجع و تخصصی به زبان فارسی به جای تکیه صرف بر ترجمه نه‌تنها غنای واژگانی و اصطلاحی فارسی را حفظ می‌کند، بلکه باعث ایجاد سبک و بیان علمی مخصوص زبان فارسی می‌شود

نسترن آزینه، استاد زبان و ادبیات فارسی، نویسنده و پژوهشگر حوزه زبان و ادبیات فارسی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید مادر نخستین انتقال‌دهنده زبان به کودک است. وقتی از زبان حرف می‌زنیم، تنها درباره مجموعه‌ای از واژه‌ها سخن نمی‌گوییم، بلکه درباره یک دستگاه فکری و یک شیوه ارتباط با جهان صحبت می‌کنیم. مادرها در لالایی‌ها، در گفت‌وگو با نوزاد و حتی جنین، سفیران زبان‌اند. هر کلمه‌ای که مادر با مهر و تکرار به کودک می‌آموزد، همچون بذری است که در جان او می‌نشیند و به‌مدت تبدیل به ساختار هویتی‌اش می‌شود. برای من، مادرانگی همواره با زبان گره خورده است. همان طور که کودک با صدای مادر آرام می‌گیرد، زبان مادری نیز آغوشی است که هویت ملی را در خود حمل می‌کند. در «منل نهنگ نفس تازه می‌کنم» ناخودآگاه این پیوند درونی میان عشق مادرانه و عشق به زبان مادری حضور یافته است. زبان همانند شریان پنهانی است که مادر از طریق آن هویت را به فرزند منتقل می‌کند. در فرهنگ فارسی، مادر جایگاهی مقدس دارد همانگونه که زمین می‌پرورد و وطن مرز دارد، مادر نیز حرمت دارد. زبان مادری مهم‌ترین چیزی است که حول محور مادر شکل می‌گیرد؛ پیوندی است میان گذشته و آینده، داده‌ای که در دل کودک شکل‌گیرد و به درختی تناور بدل می‌شود. از این‌رو، وقتی از پاسداشت زبان مادری سخن می‌گوییم، در حقیقت از پاسداشت مادر، وطن و هویت ملی صحبت می‌کنیم.

فکر می‌کنید مادران ایرانی نقش ویژه‌ای در پاسداری از زبان فارسی دارند؟ چگونه؟

بی‌تردید، مادر نخستین آموزگار زبان است. لالایی‌ها، قصه‌های شب و حتی شیوه صدا زدن فرزند، همه به زبان فارسی جان می‌دهند. کودکان نخست با دایره واژگان مادر سخن می‌گویند و دنیای پیرامون را با واژه‌هایی که مادر انتخاب کرده می‌شناسند. پژوهش‌ها نشان داده است زمانی که مادر صرف گفت‌وگو و تعامل با کودک ۱۸ تا ۲۹ ماهه می‌کند، تأثیر مستقیمی بر تجربه‌های زبانی او دارد. کیفیت گفتار والدین به‌ویژه مادر، نه‌تنها بر غنای واژگان کودک بلکه بر کیفیت یادگیری و مهارت‌های

زبان فارسی در فضای آموزشی و رسانه‌ای بیشتر به‌عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات دیده می‌شود، نه به‌عنوان یک موجود زنده و پویا؛ به نظر شما چگونه می‌توان این عشق به زبان مادری را در دل آنها زنده کرد؟

نسل جدید باید درک کند زبان فارسی تنها یک درس خشک در مدرسه نیست بلکه زبان بازی، روایت، موسیقی و رسانه‌های امروزی نیز است. اگر نوجوانان و جوانان با شعر، داستان، سینما و حتی محتوای دیجیتال به زبان نزدیک شوند، عشق به فارسی در دل شان زنده خواهد شد. نباید زبان را صرفاً به کتاب‌های درسی و امتحان‌ها محدود کرد. زبان باید در زندگی روزمره جاری شود، در ترانه‌ها، در فیلم‌ها، در بازی‌های رایانه‌ای و در رسانه‌های اجتماعی حضور داشته باشد. ادبیات کهن ما گنجینه‌ای بی‌همتاست که می‌تواند دستمایه آثاری تازه در حوزه ادبیات فانتزی گونه محبوب نوجوانان قرار گیرد. اگر داستان‌های فردوسی، نظامی یا حتی متون قدیمی با زبان و تصویر امروزی بازآفرینی شوند، نسل جوان احساس بیگانگی با آنها نخواهد کرد. حضور میراث جدی در آموزش ادبیات مدرس می‌تواند فاصله نس